

## دستور کامل زبان کردی



در ایران نیز دربارهٔ زبان کردی و کرمانجی آثاری منتشر شده است، اما تعداد آثار قابل اعتنا در این زمینه بسیار محدود است، به طوری که فقط می‌توان به کتاب گویش کردی مهاباد تألیف ایران کلباسی و دو مقاله‌ای که در زمینهٔ کردی سنندجی و کرمانشاهی در مجلهٔ زبان‌شناسی، چاپ شده‌اند، اشاره کرد. متأسفانه اغلب آثاری که دربارهٔ زبان کردی در ایران منتشر شده‌اند توسط غیر



برده است. این نشانه‌ها در اکثر موارد با تفاوت‌هایی جزئی برای نشان دادن مصوتها به کار می‌روند نه صامت‌ها؛ البته در به‌کار بردن این دو نشانه هم در کل کتاب یکدستی و یکسانی مشاهده نمی‌شود. در همین بخش آنجا که مؤلف از چهار صامت—و به‌زعم مؤلف «حرف»—ویژه کردی شمال نام می‌برد، توصیفی دقیق از آنها به دست نمی‌دهد. توصیف‌هایی از قبیل «آوایی میان (ج) و (چ)» برای /č/، «آوایی میان (ب) و (پ)» برای /p/ و به‌کار بردن حرف «ط» برای /t/ و «آوایی میان (ک) و (گ)» برای /k/، به‌هیچ وجه نمی‌توانند به خواننده در جهت درک این واجها کمکی بکنند. لازم به یادآوری است که درگوشه‌های شمالی زبان کردی (=کرمانجی) این چهار واج دارای



د. یک نظام تعریف شده و مشخص به‌کار گرفته نشده‌اند، نمی‌توانند مشکلی را حل نمایند.

است و این مثالها هم در داخل بافت جمله به‌کار برده نشده‌اند. از آنجایی که در زبان کردی و به‌ویژه گویش کرمانجی بعضی از کلمات برای پذیرفتن نقش دچار تغییرات درونی می‌شوند، لازم است که برای هرکدام از انواع کلمه جمله یا جمله‌هایی به‌عنوان نمونه آورده شود.

۵. کتاب تقلیدی از دستور زبانهای سنتی نوشته شده دربارهٔ زبان فارسی است، به‌طوری که می‌توان گفت مؤلف تعریفها را از دستور زبانهای فارسی نقل کرده است و فقط کلمات کردی را جایگزین کلمات فارسی کرده است. از آن جمله می‌توان به تعریف قید در صفحهٔ ۳۲ اشاره کرد، «قید کلمه‌ای است که حالت فعل، زمان یا شرایط انجام آن را بیان می‌کند. قید یا مختص است، مانند: هه‌رگیز hergîz (هرگز) که همیشه به‌صورت قید به‌کار برده می‌شود یا همگانی است، مانند: باش baş که گاهی قید است و گاهی صفت.» در این تعریف به‌ویژگیهای خاص قید در کردی و جایگاه قید در جمله و ... اشاره‌ای نشده است و مؤلف به‌جای «خوب» در تعریف نقل شده، واژهٔ

که منظور از گویشهای کردی شمال، گویش کدام مناطق است. چون این گویش در شمال عراق، غرب دریاچه ارومیه در ایران، سوریه، ترکیه، ارمنستان، خراسان، ترکمنستان، جمهوری نخجوان و جمهوری آذربایجان رواج دارد و تفاوت بین گونه زبانی که در این مناطق به کار می رود گاهی از تفاوتهای لهجه‌ای می‌گذرد و به تفاوتهای گویشی می‌رسد. گویش هر کدام از این مناطق دارای ویژگیهای خاصی است که مؤلف به هیچ کدام از آنها توجهی نکرده است.

در صفحه ۱۰۵، آنجا که از جمع در گویش کرمانجی سخن به میان می‌آید، چنین آورده

است که «در این گویش به جای جمع بستن همان اسم مفرد را ادا می‌کنند و جمع بودن آنها



۱. /az čum/ «من رفتم»
۲. /az ravim/ «من فرار کردم»
۳. /am dačinenê/ «ما را کشت»

و در انتهای آن باید پی‌بندهای شخصی (= شناسه) خاص حال اخباری آورده شوند.

۱۳. در کتاب هیچ اشاره‌ای به ویژگیهای نحوی این گویشها نشده است. کردی و کرمانجی دارای ویژگیهای نحوی خاصی از قبیل ارگتیو (=ergative) هستند که این گویشها را از برخی گویشهای دیگر ایرانی متمایز می‌کند.

۱۴. کتاب فاقد «کتابشناسی» است. چنانکه در مقدمه گفته شد در باره گویشهای کردی و کرمانجی پژوهشهای بسیاری انجام شده است و مجله‌ای خاص بررسیهای زبان‌شناسی گویش کرمانجی، تحت عنوان kurmancî وجود دارد که انستیتوی کرد پاریس آن را منتشر می‌کند و در هر شماره آن مقالات ارزنده‌ای درباره کرمانجی منتشر می‌شود. اما چنانکه به نظر می‌رسد، مؤلف و همکارانش با این منابع انسی ندارند و همین بی‌اطلاعی باعث شده است که کتاب از لحاظ علمی فاقد ارزش شود. در مجموع این کتاب در این زمینه نه تنها گامی به پیش بر نمی‌دارد، بلکه گامها به عقب برمی‌گردد.